

## بحر در کوزه

### علی خزاعی فر

از آنجا که وضع همه چیز ما با وضع همه چیز آدم‌های دیگر در اقصی نقاط عالم فرق دارد تعجیبی ندارد که وضع ترجمه‌مان هم فرق داشته باشد چون اگر وضع ترجمه‌مان مثل وضع ترجمه در سایر نقاط جهان باشد وضع سایر چیزهایمان به هم می‌ریزد. لذا برای حفظ وضع سایر چیزها، چاره‌ای نیست جز این که وضع ترجمه همین‌طور باشد که هست. برخی از مهم‌ترین اتفاقاتی که در اینجا رخ می‌دهد و در هیچ جای عالم سابقه ندارد از این قرار است:

برخی از نویسندگان معروف جهان در ایران، به‌طور کاملاً شانس‌ی، به تور مترجمان خوب می‌خورند و خوب ترجمه می‌شوند. برخی هم در تور مترجمان نه خیلی خوب گرفتار می‌شوند و خیلی خوب ترجمه نمی‌شوند. در واقع ضایع می‌شوند و ترجمه‌هایشان بازار را اشباع می‌کند و مترجمان خوب هم رغبت نمی‌کنند دوباره آنها را ترجمه کنند چون کار این نویسندگان دیگر «نیم‌خورده» یا «دهن‌زده» شده است. اگر سری به سایت کتابخانه ملی بزنید می‌بینید که آنجا گورستان نام‌ها و آرزوهاست. صدها نویسنده نامدار را می‌بینید که دست در دست در کنار مترجمان بی‌نام در سینه فراموشی خفته‌اند.

اگرچه آمار دقیقی در دست نیست ولی ظن من این است که بسیاری از مردم ترجمه‌ها را می‌خرند (هرچند تیراژ ترجمه‌ها بسیار پائین است) و نمی‌خوانند. دلیل این ادعا این است که بسیاری از این ترجمه‌ها اصلاً خواندنی نیست، و چون خوانندگان اعتراض نمی‌کنند معلوم می‌شود که نمی‌خوانند. و اگر می‌خوانند و اعتراض نمی‌کنند معلوم است که چون به‌طور کلی آستانه تحملشان نسبت به «حرف مفت» بالا رفته، از جهل مترجم به غمض عین می‌گذرند. یک احتمال بدتر این است که این خوانندگان اینقدر از این قسم ترجمه خوانده‌اند که ذائقه‌شان کاملاً برگشته و اصلاً متوجه مشکل نمی‌شوند. حتی نمی‌گویند «نشرش یک جوریه».

نویسنده‌ای که در زبان مادری خود صدهزار کلمه می‌داند کتابی می‌نویسد که مترجم ایرانی با سه هزار کلمه فارسی دم‌دستی که می‌داند آن را ترجمه می‌کند. معجزه

می کند والله. بحری را در کوزه‌ای می ریزد. کجای جهان دیدید این ظلم که به نویسنده می کنند.

ما انگار به نفرین ترجمه دچار شده‌ایم. هر کتاب که ترجمه می کنیم هزاران کتاب دیگر سر بر می آورد. کم تألیف می کنیم و اگرچه ترجمه‌ها مان رنگ و بوی تألیف ندارد اما تألیف‌ها مان تا دلتان بخواهد رنگ و بوی ترجمه دارد.

ما از حیث تعداد ناشر در جهان اولیم. بیشتر این ناشرها هم بیشتر ترجمه چاپ می کنند. یکی نیست از این همه ناشر پرسد این همه ترجمه چاپ کردید کو تألیف‌تان؟

ترجمه مجدد در همه جای عالم وقتی صورت می گیرد که ترجمه جدید از جهتی یا جهاتی از ترجمه اول بهتر باشد. در ایران ترجمه مجدد از این قاعده پیروی نمی کند. اصلاً از هیچ قاعده‌ای پیروی نمی کند. هر وقت مترجم یا ناشر تصمیم بگیرند ترجمه مجددی به بازار بفرستند می فرستند. کی به کیه! همچنین ترجمه مجدد در همه جای عالم وقتی صورت می گیرد که ترجمه جدید لا اقل ده سال از ترجمه قبلی فاصله داشته باشد. در ایران این فاصله به صفر رسیده. در مواردی ترجمه‌ها همزمان منتشر می شوند آن هم در صورتیکه ناشران خیر دارند ناشران رقیب در حال ترجمه همان کتاب هستند. از دیگر پدیده‌های منحصر به فرد در عرصه ترجمه در ایران پدیده آماده‌خواری است. یعنی ترجمه از روی ترجمه‌های چاپ شده قدیمی بی صاحب یا با صاحب. در این نوع ترجمه‌ها کار از سرقت ادبی گذشته و به غارت ادبی رسیده چون «مترجم» کل ترجمه را می دزدد و شش دانگ آن را به نام خود سند می زند.

پدیده دیگری که بیشتر در دانشگاه اتفاق می افتد مزدوری ترجمه است؛ مترجم اثری را ترجمه می کند و به نام استاد یا اساتیدی آن را به چاپ می رساند. از این قسم است ترجمه‌هایی که به خرج مترجم و در تیراژ اندک جهت زینت بخشی رزومه دانشجویان متقاضی دوره‌های دکتری صورت می گیرد. و به مصداق هردم از این باغ بری می رسد، به تازگی ناشرانی پیدا شده‌اند که هر ترجمه را که مایلید به نام هر کس که بخواهید چاپ می کنند، حتی به نام بچه در قنناق شما.

\*\*\*\*\*